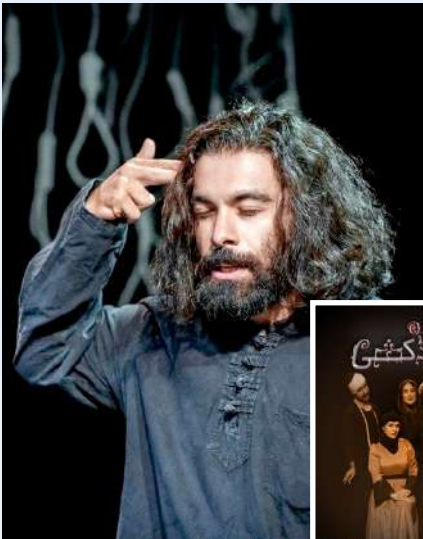


درباره نمایش مغازه خودکشی

کسی که قصد خودکشی دارد به هیچ مغازه‌ای سر نمی‌زند

هادی محمدزاده || نور و تراپیست و روانکاو



این باور که «رنگ رخسار خیر می‌دهد از سر ضمیر» همیشه هم درست نیست. تشخیص سر ضمیر از ظاهر فرد نمایان نیست. داستان و نمایش مغازه خودکشی، به شکلی فانتزی بیانگر این گونه خشم نهان است که با لبخند ابراز می‌شود

دارد. خشمی که خود را در ناخودآگاه پنهان کرده و ابراز آن در دنیای بیرون ممنوعه است. پس باید برای پذیرفتن شدن در فرهنگ تمدن موجود جامعه‌ای از محبت و دلسوزی به تن کند ولی حقیقت آن، سرکشی و نافرمانی است. زمانی که خشم مجوزی برای ورود به دنیای بیرون ندارد، راهی به جز برگشت به خود فرد پیدا نمی‌کند.

این باور که «رنگ رخسار خیر می‌دهد از سر ضمیر» همیشه هم درست نیست. تشخیص سر ضمیر از ظاهر فرد نمایان نیست. خنده مبین شادی، خشم مبین نفرت، نشان دادن ترس مبین بزدلی نیست. همچون مادری که کودک خود را تنبیه می‌کند و این خشم حاکی از نفرت نیست. گاهی اوقات دوست داشتنی بالاتر از خشم وجود ندارد. همین طور که شجاعتی بالاتر از ابراز یک ترس.

داستان و نمایش مغازه خودکشی، به شکلی فانتزی بیانگر این گونه خشم نهان است که با لبخند ابراز می‌شود. لبخندی که شکلی از نشان دادن دندان‌هایی است که آماده دریدن‌اند.

بود که در داستان وجود داشت. این حقیقت می‌تواند شوک آور باشد. زمانی که ساعتی قبل از اقدام به خودکشی افراد سرشناس و عکس‌های ثبت شده از آنها را می‌بینیم، - که به برخی از آنها در داستان و نمایش اشاره شده بود - از خنده‌ای که بر لب دارند بر آشفته و متعجب می‌شویم. در چهره اثری از غم نیست. کسی که قصد خودکشی دارد متاسفانه به هیچ مغازه‌ای سر نمی‌زند. گاهی اوقات خشم و ظلمی که در یک نوازش نهفته است در هیچ نوعی از پرخاشگری وجود ندارد. گاهی اوقات پیام قوی باش که جامعه به فرد القا می‌شود، توان ابراز هرگونه غمی را از وی می‌گیرد. مشابه فرهنگی که حق‌گریه را از مرد می‌گیرد و هرگونه ابراز ناتوانی برابر با از دست دادن مردانگی می‌شود. در داستان کسی که نسبت به سنت‌ها دست به شورش می‌زند، کسی که راز نهانی دارد که تا آخرین لحظه از داستان نیز افشا نشده، آئن بود. آئن بود که در زیر محبت نهان، خشمی برای نابودی دیگری داشت.

این محبت با ظرافت در طی داستان به صورتی افراطی وجود داشت که تنها نقطه امن داستان برای خواننده بود. این انتقام سخت که خواننده را تا ساعت‌ها مبهوت از اینکه چه شد سرگردان می‌کند. این حادثه خبر از خشمی نسبت به تمام قوانین و سنت‌ها دارد که در پس محبت‌ها، خوشبینی‌ها و دلسوزی‌ها پنهان بود.

گشتن شخص‌نیر و مند در درون خود

هیچ انتقامی سهمگین‌تر از محبت نیست. هیچ خودکشی‌ای در واقع خودکشی نیست، بلکه فرد قصد گشتن دیگری بزرگی که در درون خود، حاضر و ناظر است را

پیش از هر چیز، لازم است به این نکته اشاره کنیم که با توجه به فضای سورئال داستان مغازه خودکشی، نوشتن هرگونه نقد روانشناختی رئالیستیک درباره این فضای استعاری، به نظر ناممکن و یا غیر معقول می‌رسد. از این رو، می‌توان به بیان چند نکته روانشناختی بسنده کرد. زیرا روانشناسی مانند هر علم دیگری با امور حقیقی در دنیای بیرون سر کار دارد. در متن این داستان قواعدی وجود دارند که تابع دنیای واقعی هستند.

تصویر غالب از فردی که دست به خودکشی می‌زند، ظاهری خموده، بی انرژی و نا امید است که گاهی اوقات از دیگران برای ادامه مسیر طلب یاری می‌کند. فردی که خودانگیخته به دنبال کمک برای رهایی است و دست کمک به سمت هر کسی می‌برد. شاید با شکستی در دنیای بیرون مواجه شده است، شاید از خود و توان خود در حل مشکل پیش رویش به ستوه آمده است. در کل، از عجز و غم حاکم بر زندگی خود است که دست به پایان دادن به زندگی‌اش می‌زند.

ما همیشه به دنبال ریشه مشکل ناتوانی‌های خود در دنیای بیرون هستیم. خیلی از مواقع، از مراجعین مراکز روانشناسی اینطور شنیده می‌شود که این مداخلات همه بی‌فایده است.

حقیقت این است که از نظر جمعیت‌شناسی، افسردگی همان قدر که در سطح بالای جامعه وجود دارد، در سطح پایین جامعه نیز به صورت همگن وجود دارد.

آئن، تنها فرد واقعا افسرده نمایش

آئن شاید تنها فرد واقعا افسرده نمایش مغازه خودکشی